

ایشان را میگویند خطا گوید گویند یارب که از در حق
 پدید آید بقایا میده جان نواتیم چون از عالم انحراف میشوند
 همه یکبار فریاد بر آورند که یارب بجزای تو نیست ما را حاجت
 تا وجود وید از شنوند در مقام خود آمدیم نیکو ازین کج
 که در دم صحیح عالی نشد در دنیا و آخرت بسوی او بکشید
 اگر این طایفه جنایات گفتند که حق است ما را بیشتر است از حق
 پدید آید ازین راه که پدید آید در تربیت بدن بر سکنه از هر جهت
 غیره شهور روح اول از غیره است او لیکن استوار در حق نیست
 علم حیوانه اند و بدن لا از نیست و روح او فریه میشود و حق
 قابل فیض فتوح میشود ازین چون روز جمعه که روحی است
 و تمام بهشت صاحب شرفی ملکیه چهار فرشته است بهشتیهای
 حضرت زکریا

بهشت کشیدند و دنیا فتر کشند و چون انحراف بهشتیها
 بهنوق روان میشوند به پالچهای بر همه زیرا که در دنیا
 نفسین بهشت نرفتند پس از برای انحراف خاک است بهشت از در کوه
 الغرض همه راه شنوند و بنشینند ها گویند این در این راه
 نتوان رفت زیرا که محسوسانند ما پانصد ساله راه است
 بر اقصای عالم بیاوند این بهشت بر مقام ما موعود و در صد موعود
 حضرت آدم علیه الصلوٰه و السلام نشنوند و در این بهشت است محمد
 صدرا صد بجزو بسیم نشنوند و بهشت این راه که ام به حق خود قرار کند
 و طبع این بهشت مابین طعام شود این معنی را معلوم بهنران
 علیه السلام و اسلام بهمانند هیچ که ام این است تا خیر انوارند
 کردند تا چار بهنران حضرت آدم علیه الصلوٰه و السلام و حق نهایت